

«هو الحکیم»

عنوان:

آیا بین خداوند و مخلوقات سنخیت است؟



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْبَيْتِ الطَّيِّبِ وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ وَصَلِّ عَلَى اَمَّتِهِ الطَّيِّبَاتِ



『@SERATEHAGHI』

از مباحثی که در خداشناسی مطرح می‌شود این است که سنخیتی بین خالق و مخلوق نیست. سنخیت، یعنی اشتراك در حقیقت ذات. ما دو سنخ موجود داریم: واجب‌الوجود بالذات یا ممکن‌الوجود. واجب‌الوجود یعنی وجوب وجود دارد؛ موجودیت ذاتی آن هست؛ موجودیت را از غیر نگرفته است. ممکن‌الوجود، حقیقتی است که وجود و عدم برایش علی‌السویه هست؛ یعنی وجوب وجود ندارد؛ اینگونه نبوده که موجودیت ذاتی آن باشد و از غیر نگرفته باشد؛ موجودیت ذاتی اش نیست، بلکه به آن دادند. لذا مخلوقات، ممکن‌الوجود هستند. خداوند متعال، واجب‌الوجود بالذات است. ما دو سنخ موجود داریم: واجب‌الوجود، ممکن‌الوجود. يك نفر می‌گوید که بین خالق و خلق در حقیقت وجود باید سنخیت باشد، این وجود دارد خدا هم وجود دارد، پس سنخیت بین این‌هاست، اشتراك در حقیقت ذات هست، ذات خالق با ذات مخلوق سنخیت دارد! این‌جا در پاسخ می‌گوییم

اینجا در پاسخ می‌گوییم آن وجودی که در مورد پروردگار مطرح می‌شود، وجودی هست که قائم به خود است! موجودیت ذاتی آن هست! موجودیتش را از غیر نگرفته! قائم به غیر نیست! محتاج به غیر نیست! نیازمند نیست! اما آن موجودی که در مورد مخلوقات تعبیر می‌کنیم، این واجب‌الوجود بالغیر هست. یعنی باز وجوب وجودش به غیر هست؛ یعنی قائم به غیر هست، نیازمند به غیر هست، فقیر به غیر هست، محتاج به غیر هست! پس آن واجبی که در مورد خداوند مطرح می‌کنیم با وجودش، وجود پروردگار عین وجوب خداوند هست؛ وجودش عین وجوبش هست. یعنی اینطوری نیست خداوند وجودی داشته باشد و قائم به ذات باشد! خیر! اصلاً همان وجود، قائم به ذات است! اما مخلوقات چه؟ مخلوقات وجودشان قائم به غیر هست، قائم به ذات نیست! حالا ذات ربوبیت وجوب وجود دارد؛ مخلوقات چه؟ عدم وجوب وجود دارند، و بین وجوب وجود و عدم وجوب وجود، هیچگونه سنخیتی نیست!

این استدلال که مطرح می‌کنند، در مقابل، يك جمع می‌گویند

اگر خداوند ذاتش سنخ مخلوقات باشد،
 اگر مخلوقات غیر خدا باشند چی شد؟
 این غیر، خدا را حد می‌زند!
 خدا را محدود می‌کند! چون این ذات‌شان مشترك هست!
 پس مخلوقات يك جایی هستند که خدا آن‌جا نیست! غیر شد
 دیگر! به همان اندازه مخلوقات خدا حد خورد؛ حد خورد می‌شود
 محدود؛ محدود می‌شود مخلوق. وقتی که اینطوری هست می‌گویند
 چه کار بکنیم؟ می‌گویند باید این را بگویی که وجودی غیر
 وجود خدا نیست! همه‌ی وجودها خداست! يك وجود هست
 و آن هم وجود خداست! ببینید حرفی که زده درست هست ولی
 مبتنی به سنخیت مطرح کرده! اما اگر خود سنخیت باطل باشد
 و تباین بین ذات ربوبیت و مخلوقات باشد و هیچ‌گونه سنخیتی
 بین خالق و خلق نباشد، کار به این‌جا نمی‌کشد که عقل بخواهد
 با این ورودی‌های نادرست، خروجی‌اش این باشد که
 پس يك وجود هست و آن هم وجود خداست! این مثال را زدم
 زیرا در بحث‌های خداشناسی لازم بود این‌جا بگویم. می‌فرمایند
 که اگر این ورودی‌هایی که به عقل می‌دهیم ورودی‌های وهمی
 باشد ورودی‌های نادرست باشد، نتیجه‌ی درستی هم ما نمی‌گیریم.